رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۶، شماره پیاپی ۱۱۱، شهریور ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(6), 2025

پیش‌بینی افق زمانی براساس اسنادهای علی و تمایزیافتگی در فرزندان طلاق

Predicting the Time Horizon based on Casual Attributions and Differentiation in Children of Divorce

زهرا بیکی
دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره، گروه مشاوره، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
دکتر محسن محمدی (نویسنده مسئول)
استادیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر باهدف پیش‌بینی افق زمانی براساس اسنادهای علی و تمایزیافتگی در فرزندان طلاق بود. روش پژوهش توصیفی_همبستگی بود. جامعهٔ پژوهش را کلیه نوجوانان دختر مقطع دوم متوسطه منطقه ۱، ۲ و ۳ شهر تهران در سال ۱۴۰۲ تشکیل دادند که از بین آن‌ها به‌صورت در دسترس ۱۵۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه خودمتمایزسازی اسکورن و فرایدلندر (DSI-R، ۱۹۹۹)، پرسشنامهٔ سبک‌های اسنادی پترسون (ASQ، ۱۹۸۳) و پرسشنامه افق زمانی زیمباردو (ZTPI، ۱۹۹۹) بود. یافته‌ها نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین، واکنش‌پذیری عاطفی، گسلش عاطفی و آمیختگی با دیگران به‌طور منفی قادر به پیش‌بینی افق زمانی بودند و جایگاه من به‌طور مثبت و معنادار قادر به پیش‌بینی افق زمانی بود (p<۰/۰۱). همچنین تمامی متغیرهای تمایزیافتگی با یکدیگر ۴۵/۷ درصد افق زمانی را پیش‌بینی کردند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیر سبک اسناد مثبت، به‌طور مثبت و معنادار قادر به پیش‌بینی افق زمانی و سبک اسناد منفی به‌طور منفی قادر به پیش‌بینی افق زمانی بود (p<۰/۰۱). همچنین تمامی متغیرهای اسنادهای علی با یکدیگر ۳۰/۱ درصد افق زمانی را پیش‌بینی کردند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده باید به افق زمانی و نقش‌های آن، اسناد کنترل کودکان و استفاده از آن در شیوه‌های درمان توجه نمایند.

واژه‌های کلیدی: *اسناد علی، تمایزیافتگی، افق زمانی، طلاق.*

Zahra Beyki
M.A Student of Counseling, Department of Counseling, Tehran Markaz Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Dr. Mohsen Mohamadi *
Assistant Professor, Department Of Counseling, Faculty Of Education And Psychology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.
Mohamadi009@yahoo.com

Abstract

The present study aimed to investigate the prediction of time horizon based on causal attributions and differentiation in children of divorce. The research method was descriptive correlational. The research population consisted of all female high school students in Districts 1, 2, and 3 of Tehran in 2023, from which 150 were selected as a sample. The instruments of this study included the Skorn and Friedlander Self-Differentiation Questionnaire (DSI-R, 1999), the Peterson Attributional Styles Questionnaire (ASQ, 1983), and the Zimbardo Time Horizon Questionnaire (ZTPI, 1999). The findings showed that among the predictor variables, emotional reactivity, emotional detachment, and integration with others were negatively able to predict time horizon, and my position was positively and significantly able to predict time horizon (p<0.01). Also, all the differentiation variables together predicted 45.7% of the time horizon. Also, the results of multiple regression analysis showed that the positive attribution style variable was positively and significantly able to predict the time horizon, and the negative attribution style was negatively able to predict the time horizon (p<0.01). Also, all the causal attribution variables together predicted 30.1% of the time horizon. Considering the results obtained, attention should be paid to the time horizon and its roles, children's control attributions, and its use in treatment methods.

Keywords: *Casual Attribution, Differentiation, Time Horizon, Divorce.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : اسفند ۱۴۰۳** **پذیرش: اردیبهشت ۱۴۰۴** **ویرایش نهایی: شهریور ۱۴۰۴**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.6.141]

مقدمه

طلاق اثرات و عوارض بسیاری بر خانواده بر جای می‌گذارد که بیشترین این اثرات و عوارض متوجه کودکان این خانواده‌ها هست. از میان عوارض مؤثر بر کودکان می‌توان از عوارض عاطفی و اجتماعی سخن به میان آورد که دامنهٔ این عوارض بسیار است و این آسیب‌ها و عوارض به‌صورت ترس، اضطراب، انتقام‌جویی، افسردگی، انزوا و نیاز افراطی به محبت، اختلال در رفتار آمادگی برای جرم و بزهکاری و حتی تن دادن به جرم و ارتکاب آن اختلال در امر تحصیل و در روابط معاشرتی و رفتارهای ضداجتماعی را نشان دهد (اسپایتسکا[1]، ۲۰۲۴). یکی از متغیرهایی که به نظر می‌رسد تحت تأثیر طلاق می‌تواند قرار بگیرد، افق زمانی[2] است. افق زمانی سازه‌ای روان‌شناختی است که شامل پنج بعد گذشته مثبت[3]، گذشته منفی[4]، حال جبر نگر[5]، حال لذت‌گرا[6] و آینده[7] می‌شود. طبق نظر زیمباردو و بوید[8] (۲۰۲۱)، حالت مطلوب چشم‌انداز زمانی[9] فرد، بالا بودن نمرات مربوط به ابعاد گذشته مثبت، حال لذت‌گرا و آینده به‌صورت متعادل و هم‌زمان و نیز پایین بودن نمرات ابعاد حال جبر نگر و گذشته منفی است. بعد گذشته مثبت نشان‌دهنده نگرشی گرم، عاطفی، مثبت و نوستالژیک نسبت به گذشته و بعد گذشته منفی نشان‌دهنده یک دیدگاه منفی، آزارنده و بدبینانه نسبت به گذشته است. بعد حال لذت‌گرا نشان‌دهنده لذت‌جویی در زندگی و تلاش برای داشتن شرایطی پر از شور و انرژی در زمان حال و حال جبر نگر نشان‌دهنده اعتقاد به جبر و سرنوشت و داشتن یک دیدگاه درمانده و ناامید نسبت به زندگی است. بعد آینده نشان‌دهنده برنامه‌ریزی در زندگی و مدنظر داشتن عواقب و پیامدهای هر رفتار و نیز عمل به تعهدات است (ماسکیا[10] و همکاران، ۲۰۲۳). آینده‌نگری و افق زمانی می‌تواند تحت تأثیر عامل‌های روان‌شناختی دیگر مانند سبک اسناد علی و تمایزیافتگی باشد. سبک اسناد شیوه‌ای است که به‌وسیله آن تلاش می‌کنیم علل پایدار و زیربنایی رفتار دیگران و دلایلی که به شیوه‌های معین عمل می‌کنند، درک کنیم. این امر مستلزم تلاش در جهت درک انگیزه‌ها و ویژگی‌های آن‌هاست (اشکانی و حیدری، ۱۳۹۳).

واینر[11] (۱۹۸۶) نشان داد که کلیه ابعاد اسناد نقش مهمی در واکنش‌های هیجانی مربوط به موفقیت و شکست بازی می‌کند و این هیجانات تنها مربوط به بعد جایگاه علیت (درونی- بیرونی) نیست و در حقیقت هر بعد با گروه خاصی از عواطف و هیجان‌ها مربوط است. در رابطه با سبک‌های اسنادی، تبیین‌های خوش‌بینانه، حوادث منفی و ناخوشایند، به علل بیرونی، موقتی و خاص نسبت داده می‌شود، ولی در تبیین‌های بدبینانه برای حوادث منفی و ناخوشایند، علت‌های درونی، باثبات و کلی در نظر گرفته می‌شوند (وی[12] و همکاران، ۲۰۲۴). از طرفی دیگر به‌واسطه تجربه فرزند طلاق بودن، خود می‌تواند منجر به تفاوت داشتن و تمایزیافتگی در کودکان طلاق شود. تمایزیافتگی به‌عنوان فرآیندی برای دستیابی به هدف و یک جهت‌گیری مشخص برای روشن کردن اهداف و ارزش‌های شخصی تعریف می‌شود. تمایزیافتگی در سطح سیستمی، به‌عنوان توانایی یک سیستم/ خانواده در نظم دهی به خودش مطرح می‌شود. سطح بالای تمایزیافتگی افراد، سازگاری در خانواده و سیستم را به دنبال دارد (ریبیک و مدودف[13]، ۲۰۲۵).

تمایزیافتگی به‌عنوان یک فرآیند و الگوی بین نسلی، شخصیت فرد را بر اساس یک سری الگوی شناختی و رفتاری مرسوم در خانواده شکل می‌دهد. تمایزیافتگی هم‌چنین به‌عنوان پیش‌بینی کننده اضطراب محسوب می‌شود (ایکلند و اوهنا[14]، ۲۰۲۲). همچنین تمایزیافتگی یک ویژگی شخصیتی است که در سطوح مختلف صفات درون روانی و برون روانی نمایان می‌شود. تحقیقات مختلفی در زمینه ارتباط دید زمانی و سایر متغیرها دیگر روان‌شناختی صورت گرفته است (والدمن[15] و همکاران، ۲۰۲۲). مامی و عسگری (۱۳۹۳) به بررسی نقش تمایزیافتگی خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی طلاق عاطفی پرداختند. تحلیل داده‌ها نشان داد که از میان مؤلفه‌های تمایزیافتگی، گسلش عاطفی، جایگاه من و واکنش عاطفی و از بین سبک‌های دلبستگی، سبک ایمن و سبک آشفته - سردرگم قادرند به شکل معناداری

1. Spytska
2. time perspective
3. past-positive
4. past-negative
5 .present-fatalistic
6. present- hedonistic
7. future
8. Zimbardo & Boyd
9. ideal time perspective
10. Mascia
11 . Weiner, B.
12. Wei
13. Rybyk & Medvedev
14. Eikeland & Ohna
15 . Waldman

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.6.141]

طلاق عاطفی را پیش‌بینی کنند. طلاق عاطفی یکی از آسیب‌زاترین عامل‌ها برای خانواده‌ها است که ممکن است به طلاق واقعی هم منجر شود. با توجه به یافته‌های این پژوهش، به مشاوران خانواده پیشنهاد می‌گردد که هنگام مراجعه زوجین دچار به تعارض‌های خانوادگی نقش تمایزیافتگی و سبک‌های دلبستگی را در نظر داشته باشند. (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۹). گراهام و وینر[1] (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تحت عنوان چگونه کمبود درک و رابطه افق زمانی نهایت تکانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نشان داد عدم ارتباطات اجتماعی مربوط به افق زمانی محدود هست، درنتیجه افرادی که تجربه نقصان رابطه ضروری دارند، احتمال بیشتری دارد که در رفتارهای تکانشی شرکت کنند. همچنین نویسندگان نتایج همگرایی را ازنظر رفتارهای تکانشی ازنظر تعامل در رفتارهای ناخواسته گزارش داد.

زانگ[2] و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که داشتن چشم‌انداز زمانی متعادل با افزایش رضایت از زندگی، شادی، عاطفه مثبت، ارضای نیاز روان‌شناختی، خودمختاری، نشاط و قدردانی و همچنین کاهش عاطفه منفی رابطه دارد. آن‌ها دریافتند که چشم‌انداز زمانی به‌صورت معناداری رضایت از زندگی را پیش‌بینی کرده است. دیگر محققان مطرح کرده‌اند که چشم‌انداز زمانی متعادل باعث افزایش سلامت ذهنی می‌شود (پارک[3] و همکاران، ۲۰۲۰). اوسین و بونیول[4] (۲۰۲۴)، در پژوهش خود نشان دادند افرادی که چشم‌انداز زمان متعادل دارند نسبت به دیگر گروه‌های چشم‌انداز زمانی، به‌طور معناداری در شادی ذهنی و ذهن آگاهی، نمرات میانگین بالاتری کسب کردند. نتایج آن‌ها نشان داد کسانی که چشم‌انداز زمانی متعادل دارند، نمرات بالاتری در ذهن آگاهی کسب می‌کنند. درواقع آن‌ها فرض کردند که اگر ذهن آگاهی نشان‌دهنده آگاهی و نگهداری از افکار آگاهانه در حال حاضر است، پس انتظار می‌رود افرادی که ذهن آگاه‌تر هستند شادتر باشند. احتمالاً این افراد به لطف ذهن آگاهی توانایی بیشتری برای تعادل بین کار، اوقات فراغت و خواسته‌های خانواده دارند و احتمال بیشتری برای داشتن چشم‌انداز زمانی متعادل دارند (زیمباردو و بوید، ۲۰۲۱). لذا، با توجه به این پیامدها، انجام پژوهش در زمینه طلاق و پیامدهای آن در فرزندان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. فرزندان طلاق تجربه متفاوت و متمایز دارند که نگرش آن‌ها به زندگی و آینده می‌تواند تحت تأثیر طلاق باشد و این تأثیرپذیری می‌تواند در سبک کنترل و اسناد و احساس متمایز بودن آن‌ها مداخله کند. شکافی که در تحقیق گذشته وجود دارد ارتباط سازه‌های اسناد علی و تمایزیافتگی را با افق زمانی در فرزندان طلاق بررسی نکرده‌اند و بنابراین، هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی افق زمانی براساس اسنادهای علی و تمایزیافتگی در فرزندان طلاق بود.

روش

پژوهش حاضر توصیفی_ همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش نوجوانان دختر مقطع دوم متوسطه منطقه ۱، ۲و ۳ تهران در سال ۱۴۰۲ بود که پدر و مادر آن‌ها از هم جدا بودند. تعداد نوجوانان شناخته شده توسط مدیر و مشاور ۲۵۱ نفر بودند. نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت در دسترس بود و از میان نوجوانان دختر این سه منطقه با کسب مجوز از اداره آموزش‌وپرورش مناطق و مراجعه به مدارس و کسب رضایت از دانش آموزان، بر اساس جدول مورگان، ۱۵۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. تعداد نمونه از ۱۲ مدرسه دخترانه مقطع متوسطه این نواحی به دست آمد. بعد از کسب مجوز از آموزش‌وپرورش و انتخاب مناطق با مراجعه به مشاورین مدارس از آن‌ها خواسته شد با توجه به داشتن اطلاع از نوجوانانی که والدین آن‌ها از هم جداشده است در پر کردن پرسشنامه‌ها کمک نمایند. معیارهای ورود به پژوهش شامل جنسیت دختر، مقطع متوسطه دوم و فرزند طلاق بود. معیارهای خروج شامل عدم تمایل برای شرکت در مطالعه و تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها بود. از دانش آموزان مربوطه تقاضا شد که به سؤالات پرسشنامه‌ها به‌صورت کامل جواب دهند. در این پژوهش ۱۲ دبیرستان دخترانه مقطع متوسطه دوم در نواحی منطقه ۱، ۲ و ۳ که شامل مدارسِ غیرانتفاعی، نمونه دولتی و دولتی بودند. جمع‌آوری داده‌ها در بازه زمانی ۱۵ فروردین تا اواخر اردیبهشت به طول انجامید. پس از ارائه اطلاعات لازم در زمینه اهداف مطالعه و جهت رعایت اخلاق پژوهشی پیش از اجرای پژوهش و اطمینان به آن‌ها جهت محرمانه بودن اطلاعات و اختیاری بودن شرکت در پژوهش ۱۵۰ نفر وارد مطالعه شدند. درنهایت، تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از نسخه ۲۵ نرم‌افزار SPSS و با آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ انجام شد.

1. Graham & Weiner
2. Zhang
3. Park
4. Osin & Boniwell

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.6.141]

ابزار سنجش

پرسشنامه خود متمایزسازی[1] (DSI-R): فرم اولیه این پرسشنامه توسط اسکورن و فراید لندر[2] (۱۹۹۸) تهیه‌شده و آزمون نهایی توسط جکسون در ۴۶ گویه برمبنای نظریه باون ساخته‌شده است و توسط اسکورن و اسمیت در سال ۲۰۰۳ تجدیدنظر شد. این پرسشنامه به‌صورت خود گزارش دهی است و به‌منظور سنجش تمایزیافتگی افراد بکار می‌رود (تمرکز اصلی آن روی ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است (اسکورن و اسمیت[3]، ۲۰۰۳). پرسشنامه مذکور از ۴ خرده مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی (واکنش عاطفی بیان‌کننده تمایل فرد برای پاسخگویی به محرک‌های محیطی براساس پاسخ‌های هیجانی خودکار و طغیان‌های هیجانی است)، گسلش عاطفی (منعکس‌کننده نگرانی‌ها راجع به درگیری عاطفی حل‌نشده با والدین و به‌کارگیری دفاع‌های رفتاری بر ضد این نگرانی‌ها می‌باشد)، جایگاه من (موقعیت-من منعکس‌کننده احساس یکپارچگی خود بوده و بیان‌کننده توانایی پیروی از اعتقادات شخصی، باوجود اعمال فشار از سوی دیگران می‌باشد) و آمیختگی با دیگران (آمیختگی با دیگران منعکس‌کننده درگیری عاطفی زیاد با افراد مهم زندگی است)، تشکیل‌شده است. پرسش‌نامه خود متمایزسازی با مقیاس لیکرت در یک طیف ۶ گزینه‌ای از ۱ (ابداً در مورد من صحیح نیست) تا ۶ (کاملاً در مورد من صحیح است) درجه‌بندی‌شده است. به هر سؤال نمره‌ای بین ۱ و ۶ تعلق می‌گیرد. به این صورت که به گزینه ۱ نمره ۱ و به گزینه ۶ نمره ۶ داده می‌شود. حداکثر نمره این پرسشنامه برابر با ۲۷۶ است. نمره کمتر در این پرسشنامه نشانه سطوح پائین تمایزیافتگی است. ازنظر پایایی ضریب آلفای کرونباخ گزارش‌شده توسط اسکورن و فراید لندر (۱۹۹۹) ۰/۸۸است. در روایی همگرا نیز خرده مقیاس‌های فرم کوتاه پرسشنامه تمایزیافتگی خود، با مقیاس سطح تمایزیافتگی خود هابز (۲۰۰۳) رابطه مثبت و معنی‌داری داشت (اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳). یونسی (۱۳۸۵) پرسشنامه مذکور را هنجاریابی کرد و ضریب پایایی را برای کل و خرده مقیاس‌ها به‌صورت زیر گزارش کرد: ۰/۸۵=کل، واکنش‌پذیری عاطفی برابر با ۰/۷۷، گسلش عاطفی برابر با ۰/۶۰، جایگاه من برابر با ۰/۶۵ و آمیختگی با دیگران برابر با ۰/۷۰ گزارش‌شده است. اسکیان (۱۳۸۴) پرسشنامه مذکور را روی ۲۶ نفر از دانش آموزان دبیرستان اجرا کرد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه‌شده است. در پژوهش رستمی و شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۶) برای تعیین روایی از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد و مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۸۶ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۱۷۹۶/۹۲ بود ک بیانگر کفایت نمونه‌گیری و کفایت ماتریس همبستگی پرسشنامه بود. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۷به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های اسنادی (ASQ[4]): پرسشنامه سبک‌های توسط پترسون و همکاران[5] (۱۹۸۳) ساخته‌شده است. این پرسشنامه اولین بار توسط شیخ‌الاسلامی، (۱۳۷۷) از انگلیسی به فارسی برگردانده شد و در فرهنگ ایرانی مورداستفاده قرار گرفت. این پرسشنامه شامل ۴۸ سؤال است. هر ماده از ۱ تا ۷ درجه‌بندی‌شده است. برای محاسبه نمره کل تجارب مثبت، ابتدا نمره‌های تمام موقعیت مثبت را با هم جمع و سپس بر تعداد آن‌ها تقسیم می‌شوند. بالاترین نمره تجارب مثبت ۲۱ و کمترین آن ۳ است. مطالعات متعددی همسانی درونی پرسشنامه سبک اسناد را تائید کرده‌اند. سلیگمن و همکاران (۱۹۸۲) همسانی درونی زیرمقیاس‌های هسته علیت، ثبات و عمومیت را با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ ۰/۴۴ تا ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. پترسون و همکاران (۱۹۸۹) رابطه معناداری را ما بین اسنادهای درونی، با ثبات (۰/۶۳) و عمومی (۰/۷۴) برای وقایع منفی و افسردگی پیدا کردند. در مطالعه‌ای سنجوان و ماگالارس[6] (۲۰۰۹) ضریب پایایی پرسشنامه را با آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آوردند. در پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۱) ضرایب پایایی ماده‌های پرسشنامه، برای سبک اسنادی مثبت، از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و تنصیف (اسپیرمن – براون و گاتمن) ۰/۶۹ و ۰/۶۱ و برای سبک اسنادی منفی به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۵۸ و ۰/۴۱ محاسبه شد. در پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۱)، به‌منظور بررسی روایی پرسشنامه سبک‌های اسنادی از روش روایی سازه (تحلیل عاملی) استفاده شد. در روش تحلیل عاملی که براساس تحلیل مؤلفه‌های اصلی انجام گرفت دو عامل استخراج شد. این دو عامل سبک اسنادی مثبت و سبک اسنادی منفی نامیده شدند که در مجموع ۴۱٪ واریانس ماده‌های پرسشنامه را تبیین می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای سبک اسنادی مثبت ۰/۸۳ و سبک اسنادی منفی ۰/۸۷ به دست آمد.

1 .Differentiation Of Self Inventory-Revised(DSI-R)
2 . Skowron & Friedlander
3 . Skowron & Schmitt
4 . Attributional Sstyle Questionnaire
5 . Seligman
6 . Sanjuan & Magallares

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.6.141]

پرسشنامه افق زمانی زیمباردو[1] (ZTPI): جهت سنجش افق زمانی از پرسشنامه افق زمانی ساخته زیمباردو و بوید (۱۹۹۹) استفاده شد. پرسشنامه از ۱۳ ماده تشکیل شده است که بر اساس یک مقیاس ۵ درجه‌ای به‌صورت کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نظری ندارم (۳)، موافقم (۴) و کاملاً موافقم (۵) رتبه‌بندی شده است. حداقل نمره در این پرسشنامه ۱۳ و حداکثر نمره ۶۵ می‌باشد. نمره‌ی بالاتر در این مقیاس نشان‌دهنده‌ی افق زمانی بالاتر است. این پرسشنامه فقط دارای یک نمره کل می‌باشد. ضریب پایایی این مقیاس در مطالعه‌ی اصلی به روش بازآزمایی ۰/۷۷ (زیمباردو و بوید، ۱۹۹۹) و در ایران نیز به روش بازآزمایی با فاصله ۲ ماهه ، ۰/۷۵ گزارش‌شده است (تاج و همکاران، ۱۳۸۳). زیمباردو و بوید با استفاده از روش تحلیل عاملی، ساختار این پرسشنامه را تائید کردند. به‌علاوه، ورل و ملو[2] (۲۰۰۷) نیز در مطالعه‌ای ضریب پایایی این پرسشنامه را با آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۴ گزارش کردند و ساختار عاملی آن را تائید کردند. حسینی راد (۱۳۹۲) در پژوهش خود روایی این مقیاس را با استفاده از روش تحلیل عاملی، تائید کرده است و همچنین پایایی این مقیاس را با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ و تصنیف اسپیرمن- براون به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۶۳ گزارش کرده است. سماوی (۱۳۹۱) در پژوهش خود روایی این مقیاس را با استفاده از روش تحلیل عاملی، تائید کرده است و همچنین پایایی این مقیاس را با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ، تصنیف اسپیرمن-براون و گاتمن به ترتیب۰/۹۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۷ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته ها

اطلاعات جمعیت شناختی نشان داد که میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۱۷/۰۲ و ۰/۸۱ بود. ۴۶ نفر در پایه دهم، ۵۵ نفر در پایه یازدهم و ۴۹ نفر نیز در پایه دوازدهم مشغول به تحصیل بودند.

جدول ۱ ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	میانگین	انحراف	کجی	کشیدگی
۱. افق زمانی	۱							۳۶/۸۹	۵/۴۲	۰/۵۳۰	-۰/۳۱۳
۲.واکنش‌پذیری عاطفی	-۰/۵۸**	۱						۳۲/۵۳	۶/۸۷	۰/۲۵۴	۰/۵۵۶
۳. گسلش عاطفی	-۰/۲۸**	۰/۱۷**	۱					۳۰/۳۶	۷/۰۰	-۰/۰۲۰	۰/۰۶۵
۴. جایگاه من	۰/۵۴**	-۰/۵۹**	-۰/۱۳**	۱				۳۳/۹۲	۵/۱۹	-۰/۴۲۸	-۰/۴۶۴
۵. آمیختگی با دیگران	-۰/۵۲**	۰/۵۳**	-۰/۲۹**	-۰/۵۶**	۱			۲۸/۱۶	۶/۰۴	۰/۹۰۰	۰/۱۷۸
۶. اسناد مثبت	۰/۴۹**	-۰/۲۳**	-۰/۳۳**	-۰/۳۲**	-۰/۵۸**	۱		۱۳/۳۶	۲/۳۰	۰/۱۹۸	۰/۲۰۵
۷. اسناد منفی	-۰/۳۷**	۰/۳۴**	۰/۴۳**	۰/۲۴**	۰/۴۳**	-۰/۲۸**	۱	۱۱/۹۷	۱/۴۷	۰/۴۷۴	۰/۳۹۴

* P ‹ ۰/۰۵ **P ‹۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۱ دیده می‌شود، میان افق زمانی با واکنش‌پذیری عاطفی، گسلش عاطفی، جایگاه من و آمیختگی با دیگران در سطح ۰/۰۱ رابطهٔ معناداری وجود دارد. سبک اسناد منفی و سبک اسناد مثبت نیز با افق زمانی در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند. همچنین بیشترین همبستگی بین رابطه بین افق زمانی و واکنش‌پذیری عاطفی (r= -۰/۵۸ ،p<۰/۰۱) و کم‌ترین همبستگی مربوط به افق زمانی و گسلش عاطفی (r=-۰/۲۸۲ ،p<۰/۰۵) بود.

برای تعیین سهم متغیرهای موردبررسی از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. در ابتدا به بررسی نتایج پیش‌فرض‌ها پرداخته شد. جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کجی و کشیدگی استفاده شد. ازآنجاکه میزان کجی و کشیدگی داده‌ها در صورت بودن در رنج ۲+ و ۲-مطلوب است، نتایج نشان داد که توزیع متغیرهای پژوهش در بین آزمودنی‌ها نرمال است. همین‌طور نتایج آزمون دوربین -واتسون نشان داد که میزان آن برابر با ((۲/۲۵) بود که حاکی از نرمال بودن داده‌ها دارد. به‌منظور استقلال خطاها از آماره دوربین -واتسون (DW= ۲/۲۵) استفاده

1. Zimbardo Future Time Perspective Inventory (ZTPI)
2. Worrell, & Mello

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.6.141]

شد که نتایج نشان از برقراری این مفروضه بود. همچنین مفروضه هم خطی چندگانه با استفاده از آماره‌های تلرانس و عامل تورم واریانس موردبررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد هیچ‌کدام از مقادیر تلرانس بالاتر از ۱ و هیچ‌کدام از مقادیر تورم واریانس بالاتر از ۱۰ نبوده که نشان از برقرار این مفروضه است (Tolerance≤ ۰/۹ و VIF≤ ۱/۵۰). درنتیجه امکان استفاده از رگرسیون پذیرفته می‌شود و جدول (۲) خلاصه مدل و نتایج رگرسیون چندگانه را نشان می‌دهد.

جدول۲. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی افق زمانی براساس تمایزیافتگی در فرزندان طلاق

	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استانداردشده					
	B	خطای استاندارد	Beta	مقدار t	مقدار p	R	R^2	F
ثابت	۴۴/۷۳۰	۴/۸۷۷		۹/۱۷۲	۰/۰۰۱	۰/۶۷۶	۰/۴۵۷	۳۰/۴۵
واکنش‌پذیری عاطفی	-۰/۲۶۴	۰/۰۶۳	-۰/۳۳۵	-۴/۲۰۸	۰/۰۰۱			
گسلش عاطفی	-۰/۱۱۵	۰/۰۵۰	-۰/۱۴۸	-۲/۳۰۹	۰/۰۲۲			
جایگاه من	۰/۲۴۹	۰/۰۸۶	۰/۲۳۸	۲/۹۰۸	۰/۰۰۴			
آمیختگی با دیگران	-۰/۱۴۹	۰/۰۷۲	-۰/۱۶۶	-۲/۰۶۶	۰/۰۴۱			

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که در متغیر واکنش‌پذیری عاطفی (p<۰/۰۱، β=-۰/۳۳۵)، گسلش عاطفی (p<۰/۰۱، β=-۰/۱۴۸) و آمیختگی با دیگران (p<۰/۰۱، β=-۰/۱۶۶) به‌طور منفی قادر به پیش‌بینی افق زمانی بودند و جایگاه من (p<۰/۰۱، β=۰/۲۳۸)، به‌طور مثبت و معنادار قادر به پیش‌بینی افق زمانی بود. همچنین تمامی متغیرهای تمایزیافتگی با یکدیگر ۴۵/۷ درصد افق زمانی را پیش‌بینی کردند.

جدول۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی افق زمانی براساس اسنادهای علی در فرزندان طلاق

	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استانداردشده					
	B	خطای استاندارد	Beta	مقدار t	مقدار p	R	R^2	F
سبک اسناد مثبت	۰/۹۹۵	۰/۱۷۰	۰/۴۲۲	۷/۸۸۹	۰/۰۰۱	۰/۵۴۸	۰/۳۰۱	۳۱/۶۰
سبک اسناد منفی	-۰/۹۲۹	۰/۲۶۵	-۰/۲۵۲	۵/۸۶۸	۰/۰۰۱			

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیر سبک اسناد مثبت (p<۰/۰۱، β=۰/۴۲۲)، به‌طور مثبت و معنادار قادر به پیش‌بینی افق زمانی و سبک اسناد منفی (p<۰/۰۱، β=-۰/۲۵۲) به‌طور منفی قادر به پیش‌بینی افق زمانی بود. همچنین تمامی متغیرهای اسنادهای علی با یکدیگر ۳۰/۱ درصد افق زمانی را پیش‌بینی کردند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی افق زمانی بر اساس اسنادهای علی و تمایزیافتگی در فرزندان طلاق بود. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد رابطه بین مؤلفه‌های واکنش‌پذیری عاطفی، گسلش عاطفی و آمیختگی با دیگران با افق زمانی منفی است که نشان‌دهنده وجود رابطه معکوس بین این متغیرهاست. همبستگی بین جایگاه من با افق زمانی مثبت بوده که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم بین جایگاه من با افق زمانی است. همچنین تمامی متغیرهای تمایزیافتگی با یکدیگر ۴۵/۷ درصد افق زمانی را پیش‌بینی کردند. این یافته با نتایج پژوهش ایکلند و اوهنا (۲۰۲۲)، والدمن و همکاران (۲۰۲۲)، ٔگراهام و وینر (۲۰۲۱) و مامی و عسگری (۱۳۹۳) همسو بود. طبق نظر زیمباردو و بوید (۲۰۲۱)، حالت مطلوب چشم‌انداز زمانی فرد، بالا بودن نمرات مربوط به ابعاد گذشته مثبت، حال لذت‌گرا و آینده به‌صورت متعادل و هم‌زمان و نیز پایین بودن نمرات ابعاد حال جبر نگر و گذشته منفی است. بعد گذشته مثبت نشان‌دهنده نگرشی گرم، عاطفی، مثبت و

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.6.141]

نوستالژیک نسبت به گذشته و بعد گذشته منفی نشان‌دهنده یک دیدگاه منفی، آزارنده و بدبینانه نسبت به گذشته است. بعد حال لذت‌گرا نشان‌دهنده لذت‌جویی در زندگی و تلاش برای داشتن شرایطی پر از شور و انرژی در زمان حال و حال جبر نگر نشان‌دهنده اعتقاد به جبر و سرنوشت و داشتن یک دیدگاه درمانده و ناامید نسبت به زندگی است. بعد آینده نشان‌دهنده برنامه‌ریزی در زندگی و مدنظر داشتن عواقب و پیامدهای هر رفتار و نیز عمل به تعهدات است (میلفونت و همکاران، ۲۰۱۸). آینده‌نگری و افق زمانی می‌تواند تحت تأثیر عامل‌های روان‌شناختی دیگر مانند سبک اسناد علی و تمایزیافتگی باشد.تمایزیافتگی یک سازه بسیار مهم روان‌شناختی است که چارچوبی برای درک این مسئله فراهم می‌کند که چگونه رابطه والد-فرزند نقش مهمی را در تجربیات استرس و اضطراب اعضای خانواده ایفا می‌کند (پلگ[1] و همکاران، ۲۰۲۳). خانواده‌ها و دیگر گروهای اجتماعی قویاً روی چگونگی تفکر رفتار و احساس مردم تأثیر می‌گذارند اما افراد در تبعیت‌شان از این تأثیرات با هم تفاوت دارند . این تفاوت‌ها بین افراد و گروه‌ها منعکس‌کننده‌ی سطح تمایزیافتگی است (گراهام و وینر، ۲۰۲۱). تمایزیافتگی اساساً مقیاس بلوغ هیجانی است. تمایز خود روشی است که از طریق آن افراد نیروهای غریزی و خودکار فردیت و باهم بودن را که در زندگی آن‌ها روی می‌دهد را کنترل می‌کنند. تمایز به‌عنوان سنگ بنای نظریه بوئن در نظر گرفته‌شده است. تمایزیافتگی بر سلامت و رشد اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد، یعنی توانایی برای مسئولیت فردی، رفتار مستقل و ارتباطات عاطفی نزدیک با سایرین (والدمن و همکاران، ۲۰۲۲). تفکیک به توانایی فرد برای پیروی از باورهای درونی‌اش، بدون توجه به تائید سایرین، اشاره دارد که درواقع از فشار اطرافیان برای تغییر اعتقادات و اعمال فرد جلوگیری می‌کند. نباید تفکیک را با خودخواهی اشتباه گرفت. به دلیل اینکه فرد خودخواه مرزهای خودش را بدون توجه و احترام به مرزهای سایرین تعریف می‌کند. بوئن همچنین عبارت «مواضع شخصی» را زمانی که به تفکیک اشاره می‌کند را به کار می‌برد، چرا که مواضع شخصی، مفهوم خویشتن تعریف شده، واضح و غیرقابل تغییری را ارائه می‌دهد (ولترز و برادی[2]، ۲۰۲۱). این تفکیک و تمایز می‌تواند افق زمانی و نگرش و چشم‌انداز افراد را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه آنچه بیان شد تحقیق حاضر نشان داد اسنادهای علی و تمایزیافتگی، افق زمانی در فرزندان طلاق را پیش‌بینی می‌کنند (کارایتوگ[3] و همکاران، ۲۰۲۲). درواقع سبک اسناد و تصور از شکست و پیروزی افراد و همچنین تمایز و تفکیک فرد از دیگران می‌تواند تصور و افق زمانی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. تمایزیافتگی فرد از دیگران و تجربه گسلش عاطفی یا استقلال عاطفی می‌تواند تصور نسبت به زمان و آینده را پیش‌بینی کند. همچنین سبک اسناد و منبع کنترل خواه بیرونی یا درونی می‌تواند فهم فرد از گذشته، حال یا آینده را تحت تأثیر قرار دهد (ضمدی کاشان و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین، در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد با توجه به موقعیت، درخواست‌ها، ارزش‌ها و ارزیابی منابع کنترل یا ارزیابی شناختی و اجتماعی بین چارچوب‌های زمانی گذشته، آینده و حال در گردش هستند. حفظ تعادل بین تجربیات گذشته، تمایلات حال حاضر و پیامدهای آینده برای داشتن یک جهت‌گیری زمانی متعادل ضروری است (زیمباردو و بوید، ۲۰۲۱). استفاده بیش‌ازحد یک جهت‌گیری زمانی و عدم استفاده از بقیه چارچوب‌های زمانی، مشکلاتی را برای افراد ایجاد می‌نماید. اوسین[4] و همکاران (۲۰۲۴) معتقدند اگر دیدگاه فرد در یک مقوله زمانی محدود شود و حضور دیگر مقوله‌ها به حداقل برسد، باعث اختلال در عملکرد می‌گردد. برای مثال جهت‌گیری زمانی گذشته‌گرائی مثبت، موجب نگه‌داری بیش‌ازحد، محافظه‌کاری، اجتناب از تغییر و گشودگی به تجارب و فرهنگ‌های جدید می‌گردد و فرد سعی دارد وضع موجود را نگه‌داشته و یا در پاسخ‌دهی به سؤالات جدید از راه‌حل‌های قدیمی استفاده نماید.

علاوه بر این، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد رابطه بین سبک اسناد مثبت با افق زمانی مثبت بوده و این یافته نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم بین سبک اسناد مثبت با افق زمانی است. رابطه بین سبک اسناد منفی با افق زمانی منفی بوده که نشان‌دهنده وجود رابطه معکوس بین سبک اسناد منفی با افق زمانی است. همچنین تمامی متغیرهای اسنادهای علی با یکدیگر ۳۰/۱ درصد افق زمانی را پیش‌بینی کردند. این یافته با نتایج وانگ و همکاران (۲۰۲۱)، پایتسکا (۲۰۲۳)، وی و همکاران (۲۰۲۴) و مامی و عسگری (۱۳۹۳) همسو بود. اِسناد علّت به رفتار، نحوه نگرش و رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برداشت فرد از علل شکست یا موفقیت، موجب واکنش‌های عاطفی متفاوتی در او می‌شود و درنتیجه، رفتار آتی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پارک[5] و همکاران، ۲۰۲۰). افق زمان به‌عنوان فرآیند شناختی: این ادعا که افق زمانی یک ساختار شناختی است به وسیله لنینگز و همکاران (۱۹۹۸) حمایت شد. آن‌ها اظهار کردند که افق زمانی یک ساختار شناختی بنیادی شخصیت، تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری است. سجیتز (۱۹۹۸) بیان کرد که افق زمانی نسبت به یک وضع ثابت و پایدار مانند ویژگی شخصیتی، یک ساختار اساسی شناختی است. تحقیقات نشان می‌دهد شرایط زندگی تعیین‌کننده مهم افق زمانی آینده است،

1. Peleg
2. Wolters & Brady
3. Karaytuğ
4. Osin
5. Park

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.6.141]

بنابراین به وسیله عوامل شناختی تأثیر می‌پذیرد. شواهد بیشتر نشان می‌دهد که افق زمانی محصول جامعه‌پذیری است افراد یاد می‌گیرند که جامعه به‌عنوان یک کل و همچنین به‌عنوان طبقه و گروه‌های اجتماعی که افراد به آن‌ها تعلق دارند، یک آرایه سازمان‌یافته از وقایع و اهداف را فراهم می‌کند. این اهداف نه‌تنها آموخته می‌شوند بلکه درون ساختار زمانی شناختی یکپارچه می‌شوند (رینهولد[1] و همکاران، ۲۰۲۴). این یکپارچگی تحت تأثیر عوامل مهمی ازجمله اسناد کنترل است.اِسناد علّت به رفتار، نحوه نگرش و رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برداشت فرد از علل شکست یا موفقیت، موجب واکنش‌های عاطفی متفاوتی در او می‌شود و درنتیجه، رفتار آتی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بورزینسکا[2] و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از فرضیه‌های عمده نظریه اسناد این است که جست‌وجو برای درک و فهم امور و علل آن‌ها، از مهم‌ترین منابع انگیزشی در انسان است. منظور از علت‌یابی، استنتاج‌هایی است که شخص از علل رفتار خود یا دیگری به عمل می‌آورد. سطح انگیزش و پیشرفت هر فرد به استنباط او از علل موفقیت و شکستن مربوط می‌شود. این نسبت دادن یا اِسناد، جنبه استنباطی دارد، یعنی استنباط فرد از توانایی‌های خود، نقش عمده‌ای در پیشرفت او دارد. برای مثال، اِسناد شکست یا موفقیت به یک نوع علّت یا به نوع دیگر، می‌تواند هم ازنظر عاطفی و هم ازنظر رفتاری، پیامدهای تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. از مفاهیم عمده در نظریه اِسناد، منبع کنترل است (راتر، ۱۹۹۶، ۱۹۸۲؛ نقل از لی[3] و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین در تبیین این یافته می‌توان گفت یکی از پیامدهای عمده علت‌یابی از بُعد منابع بیرونی و درونی رابطه‌ای است که این اِسنادها با داشتن افق زمانی و تصور نسبت به زمان گذشته، حال و آینده ارتباط پیدا می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، اگر موفقیت فرد به عوامل درونی نسبت داده شود، در او احساس غرور، عزت‌نفس و جرأت به وجود می‌آید که می‌تواند نسبت به آینده و حال خوش‌بین باشد و برای آن برنامه‌ریزی کند و برعکس، توجیه موفقیتی که به عوامل بیرونی چون شرایط و اوضاع‌واحوال محیطی و احیاناً شانس و اقبال اِسناد داده شود و به کاهش عزت‌نفس می‌انجامد (کارتون[4] و همکاران، ۲۰۲۱). درنتیجه این گروه بسیار زود خسته می‌شوند. باانگیزه عمل نمی‌کنند و پشتکار کم‌تری در کارها از خود نشان می‌دهند و افق زمانی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ازجمله محدودیت‌های این پژوهش عدم دسترسی به پیشینه تحقیقات مرتبط با موضوع، جهت مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های تحقیقات موازی و نمونه‌گیری در دسترس بود. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود با توجه به نتایج تحقیق حاضر مشاوران و روان شناسان و دست‌اندرکاران حوزه سلامت روان، به اهمیت افق زمانی و عوامل پیش‌بینی‌کننده آن مانند سبک اسناد و تمایزیافتگی توجه کنند و در درمان مراجعان به‌ویژه فرزندان طلاق از روش‌های درمانی مبتنی بر افق زمانی استفاده کنند و همچنین پیشنهاد می‌شود برنامه آموزشی برای والدین در صداوسیما و مدارس در زمینه افق زمانی و عوامل پیش‌بینی کننده آن مانند سبک اسناد و تمایزیافتگی تدارک دیده شود.

منابع

اشکانی، ف، و حیدری، ح. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش هیجانی بر بهزیستی روان‌شناختی و سبک‌های اسنادی دانش آموزان مبتلابه ناتوانی یادگیری مقطع دبستان. *ناتوانی‌های یادگیری*، ۴(۱)، ۶-۲۲. https://sid.ir/paper/۵۰۱۷۹۸fa/SID.

رستمی، س و شیخ‌الاسلامی، ر . (۱۳۹۷). بررسی مدل علی رابطهٔ تمایزیافتگی خود و ابعاد رفتار جامعه‌پسند با واسطه‌گری هویت اخلاقی .*مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۷(۲)، ۳۹۳-۳۶۹.doi: 10.22059/jisr.2018.247816.602

ضمدی کاشان، س، جعفری، ف؛ محمود پور، ع؛ قاسم زاده، رس.(۱۳۹۷). پیش‌بینی گرایش به طلاق و احساس تنهایی بر اساس سبکهای دلبستگی با توجه به نقش میانجیگری خودمتمایزسازی. *پژوهش های مشاوره*. ۱۹۷; ۱۷ (۶۸) :۱۵۱-۱۲۸. http://irancounseling.ir/journal/article-1-561-fa.html

مامی، ش ؛ عسکری، م. (۱۳۹۳). نقش تمایزیافتگی خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی طلاق عاطفی، *همایش منطقه ای آسیب شناسی پدیده* طلاق، سقز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز. https://lib.wrc.ir/scholar/view/۲۴۷۲۱/۱

محمودپور, ع , شیری, ط , فرحبخش, ک و ذوالفقاری, ش . (۱۳۹۹). پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق .*فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۱۱(۴۲)، ۱۴۱-۱۲۱. https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.43452.2164

1. Reinhold
2. Burzynska
3. Li
4. Carton

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.6.141]

محمودپور, ع , شیری, ط , احمدبوکانی, س و نعیمی, ا . (۱۳۹۹). پیش‌بینی بی‌رمقی زناشویی بر پایه خود-تمایزیافتگی و باورهای ارتباطی با میانجیگری ساماندهی هیجانی در زنان درخواست‌کننده طلاق .*مشاوره و روان درمانی خانواده*, ۱۰(۲)، ۳۹۰-۳۶۱. https://doi.org/10.22034/fcp.2021.61957

یونسی، ف، معین، ل، و شمشیری نیا، ن. (۱۳۸۹). مقایسه سلامت روان, عزت‌نفس و مسوولیت پذیری دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی خانواده های طلاق و عادی شهرستان فیروزآباد سال تحصیلی ۸۸-۸۷. زن و جامعه (جامعه شناسی زنان)، ۱(۲)، ۷۹-۹۵. SID. https://sid.ir/paper/۱۶۹۰۲۱fa/

Burzynska-Tatjewska, B., Matthews, G., & Stolarski, M. (2022). Seeking Causality in the Links between Time Perspectives and Gratitude, Savoring the Moment and Prioritizing Positivity: Initial Empirical Test of Three Conceptual Models. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *19*(8), 4776. https://doi.org/۱۰,۳۳۹۰/ijerph۱۹۰۸٤۷۷٦

Carton, J. S., Ries, M., & Nowicki Jr, S. (2021). Parental antecedents of locus of control of reinforcement: A qualitative review. *Frontiers in Psychology*, *12*, 565883. https://doi.org/۱۰,۳۳۸۹/fpsyg.۲۰۲۱,٥٦٥۸۸۳

Eikeland, I., & Ohna, S. E. (2022). Differentiation in education: a configurative review. *Nordic Journal of Studies in Educational Policy*, *8*(3), 157-170. https://doi.org/۲۰۰۲۰۳۱۷,۲۰۲۲,۲۰۳۹۳٥۱/۱۰,۱۰۸۰

Graham, S., & Weiner, B. (2021). Some educational implications of sympathy and anger from an attributional perspective. In *Aptitude, learning, and instruction* (pp. 199-222). Routledge. https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781003163244-9/educational-implications-sympathy-anger-attributional-perspective-sandra-graham-bernard-weiner

Karaytuğ, M. O., Tamam, L., Demirkol, M. E., Namlı, Z., Gürbüz, M., Yeşiloğlu, C., & Eriş Davut, Ö. (2022). The mediating role of time perspective in the relationship between chronotype and suicide in bipolar disorder. *Behavioral Sciences*, *12*(12), 492. https://doi.org/۱۰,۳۳۹۰/bs۱۲۱۲۰٤۹۲

Li, Y., Dong, W., Tang, H., Guo, X., Wu, S., Lu, G., & Chen, C. (2023). The effect of parenting styles on Chinese undergraduate nursing students' academic procrastination: the mediating role of causal attribution and self-efficacy. *Frontiers in Psychology*, *14*, 1167660. https://doi.org/۱۰,۳۳۸۹/fpsyg.۲۰۲۳,۱۱٦۷٦٦۰

Mascia, M. L., Agus, M., Cabras, C., Bellini, D., Renati, R., & Penna, M. P. (2023). Present and future undergraduate students' well-being: role of time perspective, self-efficacy, self-regulation and intention to drop-out. *Education Sciences*, *13*(2), 202. https://doi.org/10.3390/educsci13020202

Osin, E., & Boniwell, I. (2024). Positive time use: a missing link between time perspective, time management, and well-being. *Frontiers in Psychology*, *15*, 1087932. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1087932

Park, I. J., Rie, J., Kim, H. S., & Park, J. (2020). Effects of a future time perspective–based career intervention on career decisions. *Journal of Career Development*, *47*(1), 96-110. https://doi.org/۰۸۹٤۸٤٥۳۱۸۷۸۱۰٤۳/۱۰,۱۱۷۷

Peleg, O., Boniel-Nissim, M., & Tzischinsky, O. (2023). Adolescents at risk of eating disorders: The mediating role of emotional distress in the relationship between differentiation of self and eating disorders. *Frontiers in Psychology*, *13*, 1015405. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1015405

Peterson, C., Semmel, A., Von Baeyer, C., Abramson, L. Y., Metalsky, G. I., & Seligman, M. E. (1982). The attributional style questionnaire. *Cognitive therapy and research*, *6*(3), 287-299. https://link.springer.com/article/۱۰,۱۰۰۷/bf۰۱۱۷۳٥۷۷

Reinhold, A. K., Trudzik, P., & Brütt, A. L. (2024). Examining illness perceptions over time: an exploratory prospective analysis of causal attributions in individuals with depressive symptoms. *BMC psychiatry*, *24*(1), 503. https://doi.org/10.1186/s12888-024-05949-z

Rybyk, L., & Medvedev, V. (2025). Perception of time perspective in the first year after the loss of a loved one. *Medical Research Archives*, *13*(2). https://esmed.org/MRA/mra/article/view/6359

Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, *45*(3), 235–246. https://doi.org/10.1037/0022-0167.45.3.235

Skowron, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, *29*(2), 209–222. https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2003.tb01201.x

Spytska, L. (2024). Symptoms and main differences between a psychopath and a sociopath. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, *212*(1), 52-56. https://doi.org/ 10.1097/NMD.0000000000001728

Waldman, A., Tiargan-Orr, R., & Gal, R. (2022). Military Propensity Among Israel Defense Forces' Potential Conscripts: A re-examination and differentiation by personal preferences of enlistment motivation. *Armed Forces & Society*, 0095327X221101331. https://doi.org/۰۰۹٥۳۲۷/۱۰,۱۱۷۷X۲۲۱۱۰۱۳۳۱

Wolters, C. A., & Brady, A. C. (2021). College students' time management: A self-regulated learning perspective. *Educational Psychology Review*, *33*(4), 1319-1351. https://doi.org/10.1007/s10648-020-09519-z

Wei, F., Georges, D., Man, I., Baussano, I., & Clifford, G. M. (2024). Causal attribution of human papillomavirus genotypes to invasive cervical cancer worldwide: a systematic analysis of the global literature. *The Lancet*, *404*(10451), 435-444. https://doi.org/10.1016/s0140-6736(24)01097-3

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.6.141]

Worrell, F. C., & Mello, Z. R. (2007). The reliability and validity of Zimbardo Time Perspective Inventory scores in academically talented adolescents. *Educational and Psychological Measurement*, *67*(3), 487-504. https://doi.org/10.1177/0013164406296985

Zhang, L., Zhai, R., Ma, X., & Yang, S. (2024). Profile and Transition in Time Perspective Among Chinese Adolescents: Examining the Prediction of Subjective Socioeconomic Status and its Effect on Academic Achievement. *Available at SSRN 5035188*. https://papers.ssrn.com/sol۳/papers.cfm?abstract_id=۵۰۳۵۱۸۸

Zimbardo, P., & Boyd, J. (2021). *Il paradosso del tempo*. Edizioni Mondadori. https://scholar.google.com/citations?user=eh۵۵yOMAAAAJ&hl=fa&oi=sra

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.6.141]